

## الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی

روح الله تولایی<sup>۱</sup>

### چکیده

شیوه‌های مدیریت و رهبری تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه (تمدن) می‌باشد. از همین رو چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده در جامعه، خود شیوه خاصی از مدیریت را اقتضا می‌کند. با عنایت به لزوم حاکمیت ارزش‌های الهی در سازمان‌های اسلامی، لازم است تا شیوه خاص مدیریت اسلامی نیز در آنها اجرا گردد تا به موفقیت‌های منحصر به فرد خود، که همان تعالی انسانی می‌باشد، دست یابند. در راستای نیل به این هدف، دفتر مطالعات مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) از ماحصل ۲ سال برگزاری سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی و انجام یک بررسی جامع در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت اسلامی، به پیشنهاد الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی و تدوین اصول و مبانی آن پرداخته است که این مقاله به معرفی آن می‌پردازد.

### کلید واژه:

مدیریت، مدیریت اسلامی، فلسفه مدیریت، تئوریهای مدیریت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق(ع)

## مقدمه

ظهور سازمان‌های اجتماعی و گسترش روز افزون آنها یکی از خصیصه‌های بارز تمدن بشری است. به این ترتیب و باتوجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی و ویژگی‌ها و نیازهای خاص هر جامعه، هر روز بر تکامل و توسعه این سازمان‌ها افزوده می‌شود. بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهدافی طراحی شده و با توجه به ساختارش نیازمند نوعی مدیریت است. ناگفته نماند که ظهور پدیده «اداره کردن» مربوط به روزگار اخیر نیست، بلکه از دیرباز، بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک «هدف» لازم است به بسیج امکانات و رهبری این امکانات به سوی آن هدف مشخص اقدام کند.

باید توجه داشت شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی بستگی به ساخت فرهنگی آن تمدن دارد. از جمله خاطره تلخ دانشمندان اروپا از دادگاه‌های تفتیش عقاید<sup>۱</sup> و بیم از تکرار مطالعات مدرسه‌ای<sup>۲</sup> باعث شد تا تحلیل مبتنی بر تجربه صرف بشری پس از رنسانس بر روح تحقیق در غرب حاکم گردد و سرانجام انسان نیز به عنوان یکی از عامل تولید در ردیف ماشین و دیگر منابع به شمار آید؛ یعنی انسانی که خود خالق ماشین است، در نظام ارزشی غرب، هم سطح مخلوق و گاه در آثار بعضی از متفکران، حتی در سطحی پست‌تر از ماشین جای گرفت، و این بسیار شگفت آور است. (رضاییان، ۱۳۸۰، ص ۴)

امروزه اگر چه مطالعات انسان شناسی، بعضی از صاحب‌نظران غربی را متوجه این امر کرده است که در تحلیل‌های «مهندسی انسانی»، انسان را تنها به عنوان یک عوامل صرف محسوب نکنند، اما متأسفانه همچنان صدای خرد شدن ارزشهای فطری انسان در لابلای چرخ‌های ماشین‌ساز غربی و شرقی طنین انداز است. یکی از پیامدهای مهم درهم ریخته شدن نظام ارزشی غرب، حاکم شدن مکتب اصالت نفع بر روند فعالیت‌های اقتصادی و تولید است؛ معتقدین به این مکتب یک عمل را تا آنجا درست قلمداد می‌کنند که برای فرد یا افرادی، بیشترین خوشی و آسایش را به وجود آورد. به بیان دیگر، ملاک درستی یک عمل

### 1. Inquisition

. مدرسه ای (Scholastic) به آن دسته از علومی اطلاق می‌شود که در کلیساهای قرون وسطی تدریس می‌شد و کسی از دانش پژوهان حق اعتراض بر آنها را نداشت و صاحبان نظریات جدید به شدت‌بالاترین وجه مجازات می‌شدند؛ داستان محاکمه گالیله نمونه بارز مورد مذکور است.

نتایج آن است نه شیوه انجام آن عمل؛ در واقع طرفداران این اندیشه، چهره اصلی هر عمل را که همانا انگیزه آن می‌باشد، بی‌بها جلوه داده‌اند. بدیهی است در این مکتب میزان درستی نتیجه بستگی به میزان سوددهی آن دارد. بدین سان این تمدن بعد از انقلاب صنعتی به یک تمدن سود انگار تبدیل شد و در نتیجه زندگی بشر در غرب، صحنه رقابت تمام عیار سود محوری شده است. (رضاییان، ۱۳۸۲، ص ۵) روشن است که اصول مدیریت حاکم بر چنین جوامعی را نمی‌توان مطلق پنداشت و یا کاربرد تمامی آن اصول را در جوامع مختلف مجاز دانست. اگر چه به کارگیری تئوریهای غربی مدیریت که با آموزه‌های الهی تعارضی ندارند، و به جهت رفع حاجات علمی کشور می‌باشد، خالی از اشکال است، منتها اصل بر تدوین اصول مدیریت بر مبنای ارزش‌های الهی است که ما آن را علم مدیریت اسلامی می‌نامیم.

آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی می‌باشد، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی انسان را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح جامعه (مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد، در عین حال ذکر این نکته نیز ضروری است که این امر با به‌کارگیری اصولی که در علم مدیریت از نظر صاحب نظران غربی ارائه شده است، منافاتی ندارد. منتها اگر سازمان‌ها بخواهند اهداف و ماموریت خود را تنها در دستیابی به منافع کمی مادی تعریف کنند، به مرور زمان پس از دستیابی نسبی به آنها، دیگر برای ادامه فعالیت سازمان خود و فلسفه وجودی خود دچار تردید خواهند شد.

شاهد بر این مدعا هم تغییر رویکرد بسیار مهم در ادبیات امروزه مدیریت استراتژیک سازمان‌ها در دنیا می‌باشد. امروزه سازمان‌های بزرگ دنیا به جای آنکه اهدافی را برای خود تعیین کنند و به دنبال تدوین راهبردهایی برای رسیدن به آن باشند، ارزش‌هایی را برای سازمان خود تعریف می‌کنند و ماموریت سازمان را پیاده کردن آن ارزش‌ها در سازمان تعریف می‌کنند. برای مثال اگر سازمانی صرفاً به دنبال افزایش درآمد سهامداران و صاحبان خود باشد، ارزش خود را "بالا بردن نسبی قیمت هر سهم سازمان" تعریف می‌کند و تمام ارکان سازمان به دنبال پیاده‌سازی این ارزش در سازمان می‌باشند.

ما در مدیریت اسلامی مدعی هستیم که با نگاهی جامع به تمام ابعاد وجودی انسان و با مد نظر قرار دادن تمام نیازهای او (با در نظر گرفتن اولویت بندی نیازها)، می‌خواهیم ارزش‌هایی را برای سازمان تعریف کنیم که با توجه به فلسفه وجودی و رسالت هر سازمان، آن را به موفقیت‌های منحصر بفرد و متعالی برساند.

شناخت مدیریتی اسلامی و کاربردی کردن مفاهیم و اصول آن برای سازمانهای اسلامی، بحثی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. تاکنون تلاشهای زیادی جهت شناخت و معرفی مدیریت اسلامی صورت پذیرفته است منتهی هنوز به الگویی جامع، اثبات شده و کاربردی که مورد قبول دانشمندان علم مدیریت و اساتید حوزه علمیه باشد دست پیدا نشده است. در همین راستا این مقاله به پیشنهاد الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی می‌پردازد تا با اصلاح و اثبات آن در تحقیقات بعدی به مبنایی جهت کاربردی ساختن مدیریت اسلامی تبدیل گردد. (سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی، ۱۳۸۵)

### اهمیت و ضرورت مدیریت اسلامی

ضرورت جایگزین کردن مبانی و اصول مدیریت اسلامی به جای مدیریت فعلی، از دو جنبه قابل بحث و بررسی می‌باشد.

اول آنکه غرب با توجه به سابقه طولانی انجام مطالعات دقیق و حساب شده و انجام سعی و خطاهای فراوان توانسته است دانسته‌ها و علوم خود را در حوزه علم مدیریت (مانند سایر حوزه) به صورت نظام‌مند و در چارچوب مشخصی عرضه کند تا به طور گسترده بتوانند آن را برای دستیابی به اهداف خود به کار گیرند. اما منابع اطلاعاتی و داده‌ها، و باید و نبایدهایی که در این چارچوب ریخته می‌شود دو اشکال عمده دارند. یکی اینکه به انسان و نیازهای او تک بعدی نگریسته شده و به تمام جوانب انسانی توجه نشده است. دوم اینکه در مواردی حقایق و واقعیات بنا به دلایل خاص مورد تحریف قرار گرفته است. با وجود اینکه علم مدیریت غربی توانسته است برای تئوری‌ها و نظریات خود چارچوب کاربردی بسیار خوبی را تعبیه کند، اما با وجود دو اشکال عمده ذکر شده در آن، تمام خروجی‌های این علم قابل تکیه و اعتماد نمی‌باشد و ضرورت اصلاح آن احساس می‌گردد. برای این کار باید بتوانیم تمام منابع و اطلاعات خامی که در برگیرنده جامع نیازهای انسانی و منطبق با حقایق

عالم هستی است را با کمک چارچوب‌های علمی امروز نظام‌مند کنیم تا بتواند در سیستم مدیریتی ما کاربردی گردد.

جنبه دومی که علم مدیریت اسلامی را بخصوص برای حکومت‌های اسلامی ضروری می‌سازد، ناکارآمدی مدیریت غربی در به کمال رساندن حکومت اسلامی است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی بسیار سریع و محیط‌های پیچیده، امروزه سبب شده است تا سازمان‌های ما برای حفظ حیات خود به استفاده صرف محصولات علوم غربی روی بیاورند و گاهی هم با توجیه بومی کردن آن، بدون هیچگونه توجیه علمی و یا جایگزینی مناسب، قسمتهایی از آن علم را حذف نمایند. به عنوان مثال در علم اقتصاد به این دلیل که در دین اسلام ربا حرام می‌باشد، کاری که صورت گرفته این است که سیستم‌های اقتصادی غرب عیناً در بدنه اقتصادی کشور پیاده شده است و تنها هر جا نیاز به ربا بوده، آن بخش بدون جایگزین حذف شده است. طبیعتاً این رویکرد حتی کشور را به همان نتایج پیش‌بینی شده علوم غرب نیز نخواهد رساند، چه رسد به تعالی و تکاملی که در اسلام برای انسان و جوامع انسانی مدنظر قرار گرفته است. (سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی، ۱۳۸۵)

### تعاریف مدیریت اسلامی

نویسندگان و صاحب نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه‌های اسلام در مورد مدیریت قلم زده‌اند هر یک به فراخور برداشت‌های خود از اسلام، مبانی اخلاقی، و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده‌اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می‌شود. البته دامنه این برداشت‌ها و تعاریف‌ها (که بیشتر بر محور ارزش‌ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته‌اند) گسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین نزدیکی به هم بودن) متنوع است. در ادامه به تعدادی از تعاریف‌های ارائه شده در مورد مدیریت اسلامی اشاره می‌شود:

افجه‌ای مدیریت اسلامی را مقوله‌ای مکتبی می‌داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او ارایه راه‌حلی است که با مفهوم عدالت خواهی سازگار است (افجه ای، ۱۳۷۷، ص ۲۲). حمیدی‌زاده نیز معتقد است که نظام مدیریت در تفکر اسلامی از اصول اعتقادی آن سرچشمه می‌گیرد و بنابراین، مدیریت بر یک مجموعه انسانی و در یک سازمان در راستای مدیریت جهان خلقت است، با این ویژگی، وی مدیریت را به عنوان یک بینش مطرح می‌کند

که در آن مدیر نیز عضوی از اعضای آفرینش است که باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی آن باشد زیرا تشکیلاتی که به وی سپرده شده، هدفش در جهت نظم کلی جهان و برای پیشبرد فعالیتهای بشری به منظور دستیابی به سطوح آرمانی است (حمیدی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲). عسگریان مدیریت از دیدگاه اسلام را در مسیر نزدیکی به خداوند می‌داند. بدین معنی که در کلیه سطوح آن زهد و تقوی پیشه می‌شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می‌یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می‌شود (عسگریان، ۱۳۷۰، ص ۵۲). مشرف جوادی معتقد است در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با خدا و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن وی و شهادت به یگانگی، یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او منظور است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸ ص ۱۱)، «مدیریت در اسلام» بدون در نظر گرفتن اعتقاد به معاد و یا دنیای دیگر ناقص است. در واقع مطلب و مسایل مدیریت در اسلام، جدا از دنیای دیگر همان مدیریت غربی است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ج)، هنگامی که صحبت از مدیریت در اسلام می‌شود، ابتدا منظور اداره امور و بهره‌برداری صحیح از نعمت‌های الهی بر اساس اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی است، یعنی کلیه اعمال و رفتار انسان‌ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان‌بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاد می‌کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان‌بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳). هاشمی رکاوندی نیز مدیریت در اسلام را در اصل بر مبنای کلامی و عقیدتی ملهم از قرآن و سنت نبی (ص) استوار می‌داند (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۹، ص ۷۶). تقوی دامغانی بدون این که از مدیریت اسلامی تعریفی ارائه دهد در مورد چستی مدیریت توضیحی داده و به امانت بودن، تکلیف بودن، خدمت بودن و مواردی از این قبیل اشاره کرده است و سپس به توضیح نقش مدیر در جوامع اسلامی پرداخته است (تقوی دامغانی، ۱۳۷۸). نبوی مدیریت اسلامی را این چنین تعریف کرده است، مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۸۰، ص ۳۳). قبادی نیز مدیریت اسلامی را آن بخش از «مدیریت» و فرآیند آن می‌داند که مستند به وحی الهی و منابع اسلامی باشد و وجه تمایز آن با دیگر مدیریتها را در مبتنی بودن بر وحی، نبود نظام بهره‌کشی انسان از انسان، مبتنی بودن بر ارزشهای متعالی، مطلق و ثابت و استوار بودن بر پایه تعالی، کرامت و شرافت انسانها می‌داند. (قبادی، ۱۳۷۸، پ ص ۱۲)

### الگوی تدوین مدیریت اسلامی

مروری جامع در مطالعاتی که در حوزه مدیریت اسلامی انجام شده است نشان می‌دهد که هر کدام از آنها تنها از یک یا دو جنبه خاص به مدیریت اسلامی پرداخته‌اند، به همین دلیل هم غالباً به اصول و مبانی کاربردی دست پیدا نکرده‌اند و به جز مواردی که توصیه‌های اخلاقی در مورد شخص مدیر بیان شده است، برنامه‌ها و راهکارهای روشنی ارائه نشده است.

برای به نتیجه رسیدن این مطالعات و پژوهش‌ها نیاز به تدوین یک الگوی جامع با خروجی‌های مشخص می‌باشد. بدین منظور پس از برگزاری نشست‌هایی در حدود دو سال با عنوان «مدیریت اسلامی» توسط دفتر مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) و دعوت از اساتید و صاحب‌نظران این حوزه، یک الگوی جامع برای شناخت مدیریت اسلامی تدوین گردید. بر اساس این الگو مطالعات علم مدیریت اسلامی به صورت کلی به دو حوزه مطالعات نرم افزاری و حوزه مطالعات سخت افزاری تقسیم می‌شود. در حوزه نرم‌افزاری به دنبال بررسی جامع تمام منابع مدیریت اسلامی می‌باشد.

در این حوزه تمام منابع موجود مدیریت اسلامی را به ۴ گروه زیر تقسیم می‌کند:

۱- منابع قرآنی

۲- منابع روایی و حدیثی

۳- منابع فلسفی اسلامی

۴- منابع تاریخی و سیره

در حوزه مطالعات سخت افزاری هم جهت تدوین اصول و مبانی مدیریت اسلامی، می‌باید مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز در ۳ گروه زیر انجام پذیرد.

۱- غرب شناسی

۲- فلسفه مدیریت غربی

۳- تئوریه‌ها و نظریه‌های مدیریت





خداوند و مدیریت‌های الهی در قرآن، راهنمای شناخت حوزه‌های خاص مدیریتی قرآن خواهند بود.

احادیث وارد شده در تفسیر آیات فوق و همچنین رجوع به تفاسیر تحلیلی معتبر قرآن، منابع غنی دیگری برای مدیریت اسلامی هستند که در این گروه قرار می‌گیرند. در خصوص این بند از مقاله موارد زیر می‌تواند در فهم قرآن کریم و برداشتهای عملی مورد نیاز از آن کمک کند:

۱- مطالعه تاریخ صدور قرآن و کتابت و آموزش و کیفیت جمع‌آوری و تدوین آن، یکی از مقدمات ارزشمند در فهم پیام قرآن می‌باشد.

۲- توجه به ویژگی نظارت قرآن بر نهضت اسلامی پیامبر (ص)، در عین ابدی بودن آن، خود یکی از مظاهر اعجاز قرآن را برای ما آشکار می‌سازد و به فهم صحیح ما کمک می‌کند.

۳- توجه به امرمکی و مدنی بودن آیات، ما را به دو دوره بسیار مهم نهضت اسلامی پیامبر (ص)، واقف می‌گرداند:

الف) دوره قبل از حکومت اسلامی

ب) دوره بعد از حکومت اسلامی

دوره اول، دوره کادرسازی و تربیت نیروهای مکتبی کارآمد، و دوره دوم، دوره

تشکیل حکومت و بکارگیری نیروها و چگونگی اداره نظام اسلامی، می‌باشد.

۴- توجه به ترتیب نزول آیات و سوره‌ها، شأن نزول و شأن جری و تطبیق در آیات،

فضای اجتماعی زمان نزول آیات و جو بین‌المللی زمان نزول آیات، ما را با حقایق

مکنون بسیاری در امر مدیریت و رهبری، و فهم و اجرای وحی الهی آشنا خواهد

نمود.

۵- توجه به ویژگی تربیتی، اعتقادی و معنوی نیروها و مراحل آن در دوره اول، و نزول

تدریجی حجم کنیری از آیات و احکام عبادی در دوره دوم، سیاستگذاری‌های خرد و

کلان الهی و نحوه مرحله‌بندی اجتماعی در مسیر حرکت بر اساس ارزش‌های الهی را

برای ما آشکار می‌نماید.

۶- توجه به زمان و مکان صدور آیات محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، جمل و مبین، ناسخ و منسوخ و غیره، ما را در نحوه تقنین قوانین و اجرای آن، توانا می‌گرداند. بخصوص پدیده «فسخ»، و پدیده تاخیر صدور بعضی از احکام عملی از زمان تشکیل حکومت اسلامی، ما را به ویژگی بعضی از معضلات اجتماعی، و نحوه حل و فصل آن، آگاه می‌گرداند.

۷- معاشرت با اقشار مختلف، و تجربه مستقیم موضوعات قرآنی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی، ما را با خصوصیات موضوعات واقف نموده، فهم صحیح احکام آنها را از قرآن، برای ما میسر می‌نماید.

فقدان این معاشرت و تجربه، ما را به افراط و تفریط در فهم احکام کشانده، موجب عسر و حرج، و یا راحت طلبی خواهد شد. (نقی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۶)

## ۲- منابع روایی و حدیثی

منظور از منابع روایی و حدیثی مجموعه سخنان، عملکردها و سکوت‌های معنی‌داری می‌باشد که به «قول و فعل و تقریر» نیز موسوم است.

همه ویژگی‌های مورد عنایت به قرآن، در سنت معصوم (ع) نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد؛ علاوه بر آن در فهم منابع روایی و حدیثی توجه به نکات زیر بسیار کمک می‌نماید:

۱- میزان فهم مخاطب حدیث، در کیفیت و سطح صدور سنت، بسیار قابل توجه است:

«نحن معاشر الانبیاء نكلم الناس علی قدر عقولهم»<sup>۱</sup>

«ما جماعت انبیاء، با مردم به میزان عقلشان سخن می‌گوییم»

۲- قصد و غرض مخاطب معصوم (ع)، بخصوص مخاطبین اهل بیت (ع)، در اعتبار و عدم اعتبار حدیث بسیار دخالت دارد که در اصطلاح به آن «جهت صدور حدیث» گفته می‌شود، صدور احادیث تقیه‌ای از این قبیل می‌باشد که عمدتاً به دوره اهل بیت (ع) بعد از پیامبر (ص)، تعلق دارند.

۱. اصول کافی، جلد ۱، باب عقل.

- ۳- ضرورت اداره حکومت، و رهبری و هدایت مردم، گاه اقتضای فرامینی مقطعی شبیه به آیات نسخ را دارد که باید آنها را از سنت ابدی معصوم، تفکیک نمود. خلط این دو دسته سنت، نتایج بسیار غلطی را پدید خواهد آورد که گاه موجب برداشت تعارض در احادیث و در نتیجه به بن بست رسیدن در فهم آن خواهد شد.
- ۴- جواز پدیده «نقل به معنا» به علت طبیعت خطا و نسیان انسانی در سنت قولی معصوم (ع) که مهم ترین و گویاترین گزارش از سنت معصوم (ع) می باشد، و مشروعیت گزارش حدیثی تنها یک فرد راستگو، با وجود جاز الخطا بودن، و احتمال بروز خطا در سلسله نقلها، و احتمال رعایت زمان و مکان خاص مخاطبین از جانب معصوم (ع) و احتمالات دیگر، همه و همه، محوریت قرآن و تبعیت حدیث از قرآن را تاکید می کند که باید در تفکر دینی و پژوهشها، از قرآن شروع کرد، و حدیث را از دریچه تفکر قرآنی نگریست و از این راه به پذیرش یا رد حدیث اقدام نمود.
- ۵- پراکندگی صدور احادیث به علت دخالت زمان و مکان (محدودیت مخاطبین، شرایط خاص اجتماعی و ...) و انسجام و جامعیت دینی قرآن به علت حکومت وجه ابدی آن در بیان مسائل، و ارتباط مفهومی و نظام مند بیانات قرآنی همچون اجزاء یک پیکر واحد، و تنظیم الهی آیات و سوره قرآنی در این راستا، همه و همه، ضرورت تمرکز و محوریت قرآن را بخصوص در سیاستگذاریهای کلان و برنامه ریزیهای بلندمدت و میان مدت، و طراحی ساختار اداری، اجتماعی، سیاسی نظامی حکومت، مطرح می نماید. در این جهت، توجه به نظام ترتیب آیات و سوره، در کنار پژوهش موضوعی قرآن، ما را با حقایق مکنون بسیاری، آگاه خواهد ساخت.
- ۶- توجه به اندیشه های اعتقادی، اخلاقی و فقهی اهل سنت، و گروه های مخالف اهل بیت (ع) در عصر ائمه اطهار (ع)، ما را در فهم خصوصیات موضوعات، و خصوصیات احکام آنها در سنت معصوم (ع)، واقف می گرداند.
- ۷- هیچ منبعی از احادیث منتسب به اهل بیت (ع)، بی نیاز از ارزیابی سندی نیست، مگر احادیثی که در حد تواتر لفظی، معنوی و اجمالی باشند؛ که تواتر یقین آور آنها، ما را از تحقیق اسنادشان، بی نیاز می گرداند. با این توصیف، بطریق اولی، احادیث وارده از

طریق اهل سنت، علاوه بر متن، اسنادشان نیز، نیازمند ارزیابی، می‌باشد. البته قوت محتوی و بلاغت کلام در بعضی از متون، همچون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، ما را از تحقق سندی اکثر محتویات قریب به اتفاق آنها، بی‌نیاز می‌گرداند.

۸- استفاده از معجم‌های قرآنی و حدیثی در یافتن حوزه‌های بحث بسیار مفید می‌باشد. این معجم‌ها معمولاً بر اساس الفاظ قرآن و حدیث و یا بر اساس موضوعات تنظیم گشته‌اند.

### ۳- منابع فلسفی اسلامی

برخی منابع که مربوط به چیستی و چرایی و فلسفه علم مدیریت اسلامی می‌باشد توسط اندیشمندان اسلامی در قرون متمادی تدوین گشته است. این منابع فلسفی می‌تواند ما را در رسیدن به الگوی اولیه و چارچوبی برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی منابع حوزه‌های دیگر راهنمایی نماید. به همین جهت ضرورت آن در تدوین مدیریت اسلامی احساس می‌گردد.

### ۴- منابع تاریخی و سیره

بخشی از منابع مدیریت اسلامی مربوط به منابع تاریخی و اندیشه‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی می‌باشد. منابع موجود از سیره نظری و عملی معصومین (ع)، انبیاء و اوصیاء الهی نیز در این حوزه قرار می‌گیرند.

قسمتی از منابع این حوزه در کتب تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است. قسمتی دیگر از آن در تفاسیر روایی و قسمتی از سیره‌های عملی به طور خاص، در کتبی حدیثی همچون «بحارالانوار» علامه مجلسی، و به طور عام مجموعه‌های حدیثی شیعه همچون «وسائل الشیعه»؛ و از مجموعه‌های حدیثی اهل سنت همچون «کنز العمال» علاءالدین فاضل هندی می‌باشد. کتب موجود خاص سیره پیامبر اکرم (ص) و سیره اهل بیت (ع) همچون «سیره رسول الله» ابو محمد عبدالملک بن هشام و «سیره نبوی (منطق عملی)» مصطفی دلشاد تهرانی منابع غنی دیگری در این زمینه می‌باشد.

**ب) حوزه سخت افزاری مدیریت اسلامی****۱- غرب شناسی**

تمدن کنونی غرب و پیشرفت‌های شگرف آن در حوزه‌های علمی و تکنولوژیکی، من جمله در علم مدیریت، حاصل یک حرکت پانصد ساله (از قرون وسطی تا کنون) می‌باشد. از طرفی فهم جریان‌شناسی یک علم به دلایل متعددی بر فهم خود آن علم تقدم و ضرورت دارد؛ زیرا اولاً جایگاه تاریخی و سیر آن علم (تکاملی یا غیر تکاملی) بهتر فهم می‌شود؛ ثانیاً با توجه به ریشه‌دار بودن تمام علوم، فهم جریان‌شناسی یک علم باعث می‌گردد گام و مرحله بعدی آن به گونه‌ای بهتر پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و محاسبه شود؛ ثالثاً فهم نسبت تاریخی یک علم با علم محوری، درجه اصالت و اعتبار آن علم را معین می‌کند. این نگاه‌های کلان به اندیشه‌های تاریخی، باعث می‌شوند حتی فهم تئوری‌های جزئی آن علم شفاف‌تر و بهتر صورت گیرد. لذا آشنایی با سیر زمانی این تمدن و تکامل علوم مقدمه فهم فلسفه علوم غربی و مقدمه‌ای برای بهره‌مندی از راه‌های رفته شده در حوزه‌های مختلف علم می‌باشد.

**۲- فلسفه مدیریت غربی**

مدیریت اسلامی از دو جنبه نیاز به بهره‌مندی از علم مدیریت غربی دارد. اولاً برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن منابع خام موجود در مدیریت اسلامی، به یک تفکر و تجربه‌ی علمی احتیاج است، ثانیاً برای استفاده از مواد و پایه‌هایی که دانشمندان غربی در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی نیاز می‌باشد. البته گرفتن پایه‌های یک علم، لزوماً به معنای قبول تمام نتایج آن نیست. لذا برای دریافتن سیر پیشرفت علم مدیریت و چارچوبی که در غالب آن تئویهای جدید در حوزه‌های مختلف علم مدیریت مطرح می‌شود، لازم است تا با فلسفه به وجود آمدن علم مدیریت در غرب آشنایی پیدا شود. فلسفه مدیریت غربی در نهایت چارچوبی می‌دهد تا به وسیله آن بتوان منابع مدیریت اسلامی مدون و نظام‌مند شده و جنبه کاربردی پیدا کند.

### ۳- تئوریهای مدیریت

برای درک بهتر و عملی چارچوب اصول و مبانی علم مدیریت غربی لازم است تا در ابتدا با تمام نظریه‌ها و تئوری‌هایی که در این چارچوب مطرح شده است آشنایی پیدا شود. همچنین مقدمه تولید علم و گسترش مرزهای دانش، فراگیری علوم تا سر حد مرزهای موجود می‌باشد. لذا برای تدوین علم مدیریت اسلامی آشنایی با تئوری‌های مدیریت امری ضروری به نظر می‌رسد.

### تحقق دین در جامعه

در نهایت چشم انداز تدوین مدیریت اسلامی می‌تواند اجرای تحقق دین در جامعه باشد. از همین رو در ادامه مقاله به تعدادی از عواملی که به نظر نگارنده برای تحقق دین در جامعه اسلامی مفید است، اشاره می‌گردد:

- ۱- ضرورت تاکید و پافشاری بر تحقق عدالت اقتصادی و اصلاح امر معیشتی اقشار آسیب پذیر، که زمینه بسیار مساعدی جهت تحقق ارزشهای دینی خواهد بود.
- ۲- علم به زمان، بخصوص، از شروط اساسی تحقق دین در جامعه می‌باشد؛ این علم، به مجموعه معرفتهای ضروری به اوضاع اجتماعی و بین المللی، و جریانات فکری جاری در عصر و زمانه، نظر دارد که عالم به زمانه را از فرو غلطیدن در شبهات و اثرات آن، در امان نگه می‌دارد:

«العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس»<sup>۱</sup>

این علم به زمان، از مطالعه و عبرت از احوال گذشتگان، ایمان و تقوای شدید، معاشرت با اقشار واقوام مختلف، و همراهی و غمخواری با اکثریت جامعه، و تلاش جدی برای اصلاح امورشان بخصوص فقر اقتصادی و فرهنگی‌شان، و آگاهی بر معرفتهای حوزوی و دانشگاهی، و حوادث گوناگون، حاصل می‌شود.

۱. اصول کافی جلد ۱ ص ۲۷، امام صادق(ع)

این علم، سطح دیانت و توان فکری-روانی مردم را در تحقق ارزشهای دینی، به ما نشان می‌دهد؛ تا با توجه به الگوها و رهنمودهای معصومین(ع)، نوع آموزش‌های دینی و میزان و چگونگی ارائه آنها را برای اقشار مختلف با توجه به واقعیت جاری در جامعه را مشخص نماید و با درایت و هوشمندی بکار بسته شود.

این علم به زمان، در درجه اول، می‌تواند ویژگی مدیران اجرایی جامعه اسلامی باشد که عمدتاً از حوزه و دانشگاه برخاسته‌اند و در رتبه بعد مربوط به اقشار مختلف است که می‌تواند به تدریج به صفات بصیرت به دین، صبر در برابر مشکلات و علم به جایگاه‌های حق، متصف گردند.

۳- دادن توان فکری و روانی به جامعه، جهت تحمل مشکلات و سختی‌های عمل به دین خدا، که از دو عامل اساسی زیر، حاصل می‌شود:

الف) آموزش صحیح ارزش‌های قرآن به جامعه، از طریق تبیین نظری، و معرفی اسوه‌های عملی انبیاء و اولیاء

ب) عمل به ارزشها توسط منادیان فرهنگ الهی در جامعه

۴- ضرورت ارزیابی دقیق جوامع اسلامی، نسبت به میزان قرب و دوری آنها به ارزشهای اسلامی، و تفکیک آنها از یکدیگر، و تدوین خوراک فکری دینی مناسب و متناسب با میزان آمادگی به تلبس دینی آنان، که حتی نسبت به اقشار مختلف دینی یک جامعه نیز، از جهت محتوی و روش، ضرورت این ارزیابی و تفکیک و تدوین مطرح است.

۵- ضرورت «تدریج در اجرای احکام قرآن» در صورت عسر و حرج حاصل از اجرای دفعی آن در جامعه؛ همچون معضل ربا در سیستم بانکی؛ و «لزوم قاطعیت در اجرا»، حتی با وجود مخالفت گروه‌های از جامعه، در شرایط عدم عسر و حرج عمومی؛ همچون حسابرسی به ثروت‌های باد آورده، شکستن حصارها و موانع ازدواج، و اصلاح امر خانواده‌های شهداء و جامعه در این راستا، و موارد بسیار دیگر.

۶- گزینش و نصب کارگزارانی امین و کارآمد و آخرت‌گرا در مصادر امور، که این نیز، عاملی بسیار مهم در تالیف قلوب عموم و موجب نفوذ ارزشهای دینی در زندگی فردی و اجتماعی اقشار مختلف، خواهد بود.

۷- قاطعیت در برابر تخلفات مسوولین رده بالا ومیانه، و سیاست عفو و گذشت و مدارا با عموم جامعه، موجب اعتماد جامعه به نظام و الگوپذیری از رهبران اسلامی خواهد بود:

**«خذالغو وامربالعرف و اعرض عن الجاهلین»<sup>۱</sup>**

«عفو و گذشت را همچون سلاحی به دست گیر، و به عرف و نیکی فرمان بده و از جاهلان اعراض نما!».

۸- ضرورت کنترل جدی مسئولان رده بالا ومیانه، و رهبران دینی، نسبت به دنیا طلبی وابستگان و اقربای خویش؛ که فقدان آن، موجب سستی اعتقاد مردم و مورد تمسخر واقع شدن مسئولان نظام و ارزشهای دینی خواهد بود. تذکرات اکید، به همسران پیامبر(ص) در سوره احزاب و نهی از دنیا طلبی آنان، و تهدید به شدت عمل در مجازات گناهکاری آنان، این ضرورت را اعلام می‌دارد.

۹- ضرورت تربیت نیروهای فرهنگی عالم متدین جهت هدایت سطوح مختلف و اقشار مختلف جامعه، با توجه نیازها و ویژگی‌های آنان، که این رسالت بر عهده حوزه و دانشگاه می‌باشد.

۱۰- ضرورت ایجاد پایگاه‌های مردمی در خارج از کشور، از طریق تربیت و اعزام نیروهای آگاه و عامل به فرهنگ قرآنی، به عنوان سفیران رسمی و غیر رسمی نظام، و فعال کردن سفارتخانه‌ها؛ و ضرورت‌های دیگری که در راستای عوامل فوق در تحقق ارزشهای دینی در جامعه و جهان بشری، بسیار مؤثر است.

**نتیجه‌گیری**

همانطور که در مقدمه اشاره شد، شیوه رهبری و مدیریت تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه (تمدن) است و بدیهی است چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده یک جامعه، خود نوع خاصی از نظام ارزشی و شیوه خاص مدیریت را اقتضا می‌کند.

۱. قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۹۹



در جوامع غربی، به علت بافت مادی صرف، غالباً ارزش گذاری‌ها بر پدیده‌های حیات انسانی، مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و معانی اومانستی است و انسان شناسان اومانست در نظریه‌های خود، به دلیل بی بهرگی از مکتب وحی تصویر گر انسانی هستند که هاله‌ای از توهمات بشری، پیرامون او را گرفته است؛ گاه او را موجودی بدذات و گاه او را موجودی خوش ذات و ... معرفی می‌نمایند و چون در این تئوری‌های انسان شناسی، انسان همچنان موجودی است مجهول، بالطبع می‌بینیم که جوامع مغرب زمین گرفتار نسبت در مفاهیم ارزشی گشته اند یعنی: تحلیلهای آنها در تعیین میزان و نوع ارزش «پدیده‌ها» تابعی از وضعیت زمان و مکان موجود است، و آشکار است که نقش اصلی را در این رابطه قدرت‌های غیر الهی مسلط بر این جوامع دارند.

از طرف دیگر، جوامع کمونیستی اصالت را به جامعه داده و فرد را فدای طبقه خاصی می‌کنند (بدیهی است که اگر چه در شعارها این منافع را منافع طبقات زحمتکش قلمداد می‌نمایند ولی عملاً این شعارها در جهت خواسته‌های هیات حاکمه شده است).

در مکتب اسلام بر خلاف دیگر مکاتب، ارزش‌ها نسبی نیست و زمان و مکان در تبدیل مفاهیم ارزشی دخیل نیستند، این امر از اینجا ناشی می‌شود که واضع ارزش‌ها در مکتب اسلام، تعقل ناقص بشری نیست، بلکه واضع خداوندی است حکیم و علیم، پروردگاری که علم او سرمدی است؛ بنابراین نظام ارزشی اسلام که تعیین کننده مقبولیت یا عدم مقبولیت یک فعل از دیدگاه خداوند است، در نزد مسلمانان (شیعه)، بر مبنای منابع مشخص تدوین گشته است. در این نظام ارزشی، هم فرد، حقوقی دارد و هم جامعه (اصالت توأمان فرد و جامعه) بنابراین نمی‌توان هیچ یک را فدای دیگری کرد.

با عنایت به تفاوت ماهوی نظام ارزشی در اسلام، لازم است تا شیوه رهبری و مدیریت خاص در دولت‌های اسلامی تدوین گردد. برای دستیابی به این مهم به نظر می‌رسد لازم است تا یک تغییر رویکردی در مطالعات و نظریه پردازی‌های این شاخه از علم صورت گیرد و اندیشمندان و صاحب نظران با نگاه جامع و سیستمی، تمام جنبه‌های مدیریت اسلامی را که در این مقاله از آنها به ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدیریت اسلامی یاد شده است، در تعامل با یکدیگر مدنظر قرار دهند تا خروجی‌ها و تئوری‌های حاصل از آن به صورت کاربردی در دولت‌های اسلامی قابل اجرا باشد.

در نهایت با توجه به اینکه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران یک سازمان دولتی است بیشترین تعامل را با مردم و جامعه دارد، ضروری به نظر می‌رسد تا در این تغییر رویکرد مدیریتی، در زمره پیشگامان باشد. و همچنین با توجه به ارزشهای خاص حاکم بر این نیرو، شیوه رهبری و مدیریت اسلامی منحصر بفردی را تدوین نماید تا به عنوان سازمانی پیشرو در پیاده‌سازی اصول و مبانی مدیریت اسلامی، الگویی برای سازمانهای نظامی و انتظامی دیگر کشورهای اسلامی قرار گیرد.



## منابع:

- حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۸)، "تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۰.
- دفتر مطالعات مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۸۵)، "سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی"، چاپ نشده.
- افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷)، "مدیریت اسلامی"، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۷۸)، "نگرشی بر مدیریت اسلامی"، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- رضاییان، علی (۱۳۸۲)، "اصول مدیریت"، تهران، انتشارات سمت.
- عسگریان، مصطفی (۱۳۷۰)، "مدیریت اسلامی"، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- قبادی، اسماعیل (۱۳۷۸)، "اصول و مبانی مدیریت اسلامی"، قم، انتشارات فقه قرآن کریم (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات اسوه، خط عثمان طه.
- مشرف جوادی، محمدحسین (۱۳۷۸)، "اصول و متون مدیریت در اسلام"، همدان، انتشارات نور علم.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۸۰)، "مدیریت اسلامی"، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نقی پور، ولی‌الله (۱۳۸۱)، "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن"، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی (۱۳۷۹)، "رهبری و مدیریت روابط انسانی و سازمانی در ایران، اسلام و غرب" انتشارات باطن، چاپ اول.